



شاعر فوتبال



آرش حسن‌پور

پژوهشگر مطالعات تصویری

عکس‌ها خارجی هستند. موقعیت استادیوم ورزشی فوتبال است. ورزشگاهی خالی از تماشاگران مشتاق در روزهای سرد کرونایی. سکوها خالی هستند اما ورزشگاه خالی نیست. ما شاهد فضای بیرون از مستطیل سبز هستیم؛ یعنی حاشیه و پیست ورزشگاه فوتبال جایی که نیمکت دو تیم و عوامل برگزارکننده مسابقه اعم از مسئولان ورزشگاه، داور چهارم، توپ‌جمع‌کن، سرمربی تیم‌ها و کادر باشگاه‌ها قرار دارند. نورها طبیعی و مصنوعی هستند اما عناصر عکس گویی ثابت‌اند. انسان‌ها و توپ فوتبال بدون هیچ‌گونه درگیری فیزیکی و نزاعی بر سر تصاحب آن. عکس‌ها در سری مسابقات لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور دوره بیستم ثبت شده‌اند. هرچقدر ورزشگاه خالی است اما عکس در فریمی عمودی، دیدنی است.

ما شاهد پرتاب یک اوت هستیم. اوت، لحظه‌ای نادر در مسابقه فوتبال است. لحظه و وقفه‌ای که طی آن در اثر خروج توپ از محدوده قانونی و طول زمین مسابقه بازیکن می‌تواند با دست توپ را لمس کند و از بیرون به درون پرتاب کند و مجدداً به روند و مسیر مسابقه بازگردد.

در این صحنه نیز شاهد موقعیت اوت هستیم. اوت یکی از عادی‌ترین و پرتکرارترین لحظه‌های مسابقه فوتبال است چراکه در طول جریان مسابقه توپ بسیار میل به خروج و گریز پیدا می‌کند و بازیکنان نیز شیدای توپ گرد جادویی در پی آن دوان‌دوان به بیرون از محوطه مسابقه رفته و سپس به زمین خودی یا رقیب بازمی‌گردند.

اوت‌ها کمتر جذاب‌اند و کمتر توجهی جلب می‌کنند. درواقع لحظه‌های مکرر و بسیار پرتاب اوت زمان‌هایی هستند که بازیکن و تماشاگر و بیننده تلویزیونی یا رسانه‌ای می‌تواند در حین آن به امور دیگر بپردازد و مطمئن شود چیزی را از دست نمی‌دهد اما اینجا خرق

عاداتی رخ داده است. یک قانون و یک روال شکسته شده و عقل سلیم فوتبالی ترک برداشته است. در عکس شاهد یک عملکرد استثنایی هستیم. این عکس، یک بازیگر و آکتور اصلی دارد. او، نادر محمدی بیست‌وسه‌ساله است. در هر دو عکس چشم‌ها همگی مبهوت اوست. از نگاه خیره سرمربی گرفته باینکه عملکرد بازیکن خودی را مشاهده می‌کند تا کادر فنی، توپ‌جمع‌کن‌ها و داور مسابقه. نفس همگی برای دمی در سینه حبس شده است تا ناظر عملیات محیرالعقول و آکروباتیک در مستطیل سبز فوتبال باشند. نادر پرتاب اوت را بدل به کنشی غیرعادی و غیرتکراری ساخته است. او با یک عملیات ژیمناستیکی پیچیده، دقیق، تروتمیز و دیدنی توپ را پرتاب می‌کند به‌نوعی که کلیپ‌ها و فیلم‌های پرتاب او در شبکه‌های مجازی و رسانه‌ای دست‌به‌دست می‌شود و حتی توجه رسانه‌های بین‌المللی را هم به خود جلب ساخته است. در عکس نگاه داور به او خیره شده است. سُر‌ها به سمت پایین است اما توپ او قرار است به آسمان پرتاب شود. تضاد و دوگانگی زمین و آسمان، پایین و بالا، ایستادگی و واژگونی، تعادل و عدم تعادل به‌عکس کنتراست مفهومی بسیار جذابی بخشیده است. می‌دانیم توپ شی‌ءای است که اجازه نمی‌دهد اراده‌مان را به او تحمیل کنیم؛ توپ رهاست و بر آن است که رها هم بماند. بازیگر، توپ چموش را با دستان و پرتاب و جهش سحرآمیزش رام کرده است. در عکس‌هایی که شاهد آن هستیم؛ او اوت را بازنوشته است و برای آن روال و قاعده تازه‌ای سرهم‌بندی کرده است. یک پشتک تمام‌عیار و پرتاب بسیار بلند توپ که فاصله‌ها و مسافت را در هم می‌شکند و به عمق تیم حریف نفوذ کرده و حتی مانند مسابقه دو تیم پیکان و گل‌گهر می‌تواند بدل به یک گل بشود و از دست سنگربان سابق تیم ملی نیز بگریزد. نادر محمدی در هر دو عکس در وضعیتی غیر تعادل‌گونه است. چطور؟ او روی دو پای خود مستقر نیست بلکه توپ را بدل به تکیه‌گاه بدن خودساخته است و بر اساس این نقطه ثقل جرمی، پُشتک می‌زند. در هر دو عکس او واژگون است و فوتبال را هم که به لحاظ حرکتی و فیزیولوژیک، ورزشی قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی است، به ریشخند گرفته است.

در حقیقت او متعادل نیست اما تعادل خود را با فرمی زیبایی شناختی هم حفظ کرده است و از هیچ سمت و سویی واژگون یا نقش بر زمین نشده است. حرکت محمدی با «اوت‌دستی» و آن حرکت بی‌سلیقه کلاسیک متفاوت است. اعجاز این پرتاب اوت و عکس هم در همین است. چطور او اینگونه در کسری از زمان می‌چرخد و فوتبال را از یک بازی کسالت‌بار بدل به لحظه‌ای خیره‌کننده و جاودان می‌سازد. در عکس‌ها گویی همگی به نشانه احترام او نیم‌خیز شده و منتظر پایان این نمایش دیدنی‌اند. حرکت اساساً احترام‌برانگیز و تحسین‌آور است.

در مسابقه‌ای که از فرط تکراری بودن و کسالت‌آوری می‌توان به کارهای دیگر شخصی نیز رسید و نتیجه را هم دنبال کرد؛ اکت محمدی زمان را تعلیق‌آور می‌کند که

در این صحنه نیز شاهد موقعیت اوت هستیم. اوت یکی از عادی‌ترین و پرتکرارترین لحظه‌های مسابقه فوتبال است چراکه در طول جریان مسابقه توپ بسیار میل به خروج و گریز پیدا می‌کند و بازیکنان نیز شیدای توپ گرد جادویی در پی آن دوان‌دوان به بیرون از محوطه مسابقه رفته و سپس به زمین خودی یا رقیب بازمی‌گردند. اوت‌ها کمتر جذاب‌اند و کمتر توجهی جلب می‌کنند. درواقع لحظه‌های مکرر و بسیار پرتاب اوت زمان‌هایی هستند که بازیکن و تماشاگر و بیننده تلویزیونی یا رسانه‌ای می‌تواند در حین آن به امور دیگر بپردازد و مطمئن شود چیزی را از دست نمی‌دهد اما اینجا خرق عاداتی رخ داده است.

نمی‌توان لحظه‌ای چشم از آن برداشت. در هر دو عکس او در آستانه ورود به زمین است اما او به بلیه این تخلف گرفتار نمی‌شود. در حقیقت دستان او همچون ساق‌های پای هوشمندی عمل می‌کند که خطا نمی‌پذیرند. حرکت محاسبه‌شده است و بازیگر و نه بازیکن روی این محاسبات و فواصل تمرین و تدقیق کرده است. او در آستانه ورود به زمین، شلیک خود را چونان توپ یک تانک پرتاب می‌کند و لرزه به اندام مدافعین و خط عقب هر تیمی می‌اندازد. او بر این اساس، قوانین

فیزیکی فوتبال را با دستان خود دست می‌اندازد و از دست که عنصری ممنوعه در فوتبال است، گل و پیروزی و موفقیت تیمی می‌سازد.

حرکت محمدی را نمی‌توان محصول یک کار و همکاری تیمی دانست. او را می‌توان یک نابغه دانست. یک نابغه مُتبحر که با عملکرد فردی خود می‌تواند یک تیم را پیروز کند. از این منظر او بازیکن نیست که یک بازیگر و پرفورمر است که فوتبال را بدل به یک هنر ساخته است. می‌توان فوتبال را تنها به‌مثابه یک فرم در نظر گرفت؛ آنگاه حرکت او میزان و موزون است. او خلاق و متخیل است و فوتبال را از یک مسابقه صرفاً جدال‌گونه فیزیکی تبدیل به‌نوعی شاعری با ابتکار، هماهنگی، کاربست صنایع و آرایه‌های مختلف ساخته است. از این منظر هر بار که این شعر/حرکت را از نو بخوانی، تکراری نمی‌شود و هر مرتبه آهنگی نو و خوش‌سیما و منظر دارد.

بازیکنانی نظیر رونالدینیو، مسی، رونالدو و زلاتان ابراهیموویچ همگی شاعرانی برجسته در مدرسه فوتبالی هستند که حال خوشبختانه شاگرد ماهر تازه‌ای پذیرفته است. او فوتبال و پرتاب اوت را بازآفرینی ساخته است. کسی به نام نادر محمدی که آنقدر صحیح کار خودش را انجام می‌دهد که دستمایه طنز و پرداخت مطایبه‌آمیز رسانه‌ها نمی‌شود. به یاد داریم که میلاد محمدی نیز در جام جهانی فوتبال و در مسابقه با اسپانیا تلاش کرد چنین حرکتی را به منصف ظهور بگذارد اما عدم دقت و هوش لازمه در انجام و طراحی آن صحنه را بدل به یک کیف یا میم طنزآلود ساخت که تا حدودی نیز به وجهه فوتبال ملی آسیب زد اما اینجا ما کنشی بی‌نقص و مسلط را شاهد بودیم.

او نشان داده است که می‌تواند به‌تنهایی رهبر تیمش باشد و نمایشش هیچ‌گاه تکراری نشود. او بازیکن پیکان است اما خیره‌کنندگی هیوندای دارد. نادر استثنایی است؛ تازه‌نفس و با اعتمادبه‌نفس بالا. او یک مدافع است اما چونان مهاجم ظاهر می‌شود و مانند منجنیق بر سر تیم حریف هوار می‌شود. وی باکمال فرم و تکنیک، زیبایی و کیف را با همین حرکت مختصر اما چشمگیر به فوتبال بازگردانده است. او شاعر این فصل فوتبال باشگاهی ماست.